

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

بیاری دوستانی بشتابیم که در آستان نیستی ایستاده اند! دست دژخیم را باز داریم!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه - جشن همبستگی جهانی کارگران جهان

ایران جشن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی رنجبران، روز رژه پرشکوه نیروی عظیم کارگری جهان را، بهمه شما از زنت و مرد، سالخورد و خردسال و بهمه افراد خانواده شما صمیمانه شاد بش می گوید.

طبقه کارگر ایران، طبقه ای از جمله ماست که دائماً در حال رشد کمی و کیفی است. علی رغم هر گونه سد و مانعی هم که استثمار و ارتجاع در سر راه ترقی صنعتی کشور ایجاد کنند، این ترقی بنا بحکم تاریخ ولو کند و محدود، بهرجهت و بشکل ناگزیر انجام می گیرد و ترقی صنعتی نیرومندی دائمی طبقه کارگر را با خود همراه دارد. زمانی خواهد رسید که طبقه کارگر ایران که امروز نیز مقام اجتماعی و معنوی مهمی در تاریخ میهن ما دارد به کثیرالعددترین و مقتدرترین و با نفوذترین طبقه جامعه ایران مبدل گردد.

هیئت حاکمه ایران و بررأس آن شاه برای آنکه این طبقه نیرومند و با نفوذ، مترقی و انقلابی را در قید استثمار و سلطنت مستبدانه نگاه دارند، از دستها پیش پیک سیاست کارگری، خاصی تنظیم کرده اند و مرحله اجراء در آورده اند آنها می خواهند بگمک این سیاست کارگری، چهره واقعی ضد کارگری رژیم را مخفی نگاه دارند. کارگران ایران را بخیل خود شاه پرست بار آورند و پندار غلط هماهنگی طبقاتی و همکاری و همزیستی بهره دهان و بهره کشان را در نظر آنها رسوخ دهند ولی از بخت بد این دام گستران

بسیار دلیله طبقه کارگر ایران فریب آنها را نخورده و نخواهد خورد. اول بدلیل سن طولانی انقلابی طبقه کارگر ایران. در آن هنگام که طبقه کارگر ایران در آغاز پیدایش بود و در دورانی که در ایران صنایع ماشینی تنها بصورت جنبینی وجود داشت، آنگاه انقلابی و حزب انقلابی کارگری، شعارها و تظاهرات و اعتصابات کارگری در کشور ما پدید شد. طبقه کارگر ایران در میان طبقات کارگر کشورهای نظیر، واجد یکی از پرستندترین و پرجوش و خروش ترین تاریخها است. پیشاتازان این طبقه مکتب سوسیال دمکراسی انقلابی، حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران را بنا گذارده اند. بسیاری از افراد این طبقه در هیئت سالهای اخیر در مکتب سندیکائی مترقی بزرگی مانند شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران پرورش یافته اند. عواطف و افکار انترناسیونالیستی در طبقه کارگر ایران نیز رومند است. وی حوادث انقلابی جهان و پیکار خلقها در راه رفاه ملی و طبقاتی در راه صلح و دمکراسی و سوسیالیسم را با شور و شوق تعقیب می کند. وی دستاوردهای همصنفان خود را در کشورهای سوسیالیستی که از قید استثمارهای یافتند و مبارزات آنها را در کشور هائی که هنوز در قید استثمارند می بیند. شاه و الهامگران امپریالیستی او و میلیتان و منادیان در باری سعی دارند رژیم سرمایه داری بقیه در نسخه ۷

کارگران و زحمتکشان ایران! خواهران و برادران عزیز ما! کمیته مرکزی حزب توده

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وظیفه مبرم همه نیروهای ملی است

منجر به نجات منصوری و کامرانی از گروه ۱۴ نفری موسوی بجنوردی از گروه ۵۵ نفری شده است نادرستی کرد که اگر جنبش نیرومندی بوجود آید و اگر اعضاء این جنبش متحداً عمل کنند میتوانند همین رژیم ترور را بعقب نشینی و دارند و گام های جدی در راه دفاع از جان و آزادی میهن پرستان مبارز بردارند. بهمین جهت است که لزوم مبارزه، استفاده از تمام امکانات، لزوم گسترش جنبش برای دفاع آزادیهای دموکراتیک پیش ازین در اذهان توده ها رسوخ مییابد. برپیشاهنگان جنبش است که این نیروی معنوی و با القوه را به نیروی مادی و بالفعل تبدیل کنند تا بتوان رژیم را بعقب نشینی باز هم پیشتری و داشت و گامهای باز هم بزرگتری در دفاع از حقوق و آزادیهای مردم میهن ما برداشت.

جنبشی که از چندی پیش در خارج از کشور برای آزادی زندانیان سیاسی آغاز شده بتدریج گسترش مییابد و استحکام می یابد. از آنجا که این جنبش نباید گذرا باشد، بلکه برعکس باید هر روز دامنه وسیع تری بخود بگیرد تا بتواند به هدف خود برسد، مفید است که خصوصیات آن، تجاربه که تاکنون بدست آمده، مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد و سمت حرکت آتی آن را بررسی کنیم تا بتوانیم با روشنی و پیگیری بیشتری در تقویت این جنبش بکوشیم.

لزوم مبارزه

نیروهای ملی در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد همواره به ترور پالیسی، به سلب آزادی مردم، به کشتار و شکنجه میهن پرستان، به دادگاههای غیر قانونی نظامی اعتراض کرده اند. ولی این اعتراضها غالباً پراکنده، بدون شعار مبرم مشخص و بدون پیگیری لازم صورت گرفته است. در چنین وضعی دو برخورد و ارزیابی نادرست هم پیدا شده است. برخی باتکیه به ترور پلیسی و خشونت رژیم دستخوش یأس میشوند و مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک را در چنین وضعی بجا نمیدانند. بعضی دیگر با همین استدلال نتیجه میگیرند که فقط باید برای سرنگونی رژیم مبارزه کرد. بنظر ما این هر دو برخورد غلط است و باوجود رضایت ظاهری آنها، هر دو از عدم اعتقاد بمبارزه توده ای ناشی میشود. مبارزه برای دفاع از حقوق و آزادیهای مردم در زمانی که رژیم هنوز مسلط است با مبارزه برای سرنگونی رژیم نه فقط منافاتی ندارد، بلکه دارای پیوند ناگسستنی است. در جریان چنین مبارزاتی است که میتوان توده های مردم را بعرصه نبرد کشاند، اتحاد آنها را بوجود آورد و مستحکم کرد. رژیم را زیر ضربه گرفت، بعقب نشینی و داشت، تضعیف کرد و زمینه را برای هجوم همگانی، همه جانبه و قطعی برای استقرار حکومت ملی و دموکراتیک فراهم کرد. دستخوش یأس شدن و از مبارزه دست کشیدن و یا مبارزه روزانه و تاکتیکی را رها کردن و به امید سرنگونی رژیم نشستن، هر دو هم به مبارزه روزانه و هم به مبارزه عمومی لطمه میزند.

شعار مشخص

همه میدانند که مردم میهن ما از ابتدائی ترین آزادیهای مندرج در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، که بهصوب مجلس رسیده، محرومند. استقرار دیکتاتوری، شاه و طبقه حاکمه ایران امکان داده است که بدون ترس از مواخذه بزرگترین خیانتها را بمنافع ملی ما مرتکب شوند. هرگونه مخالفت بااین دیکتاتوری و این خیانتها با زندان، شکنجه و اعدام بقیه در نسخه ۷

به خسرو روزبه

تاریخ که بر باد رود رنج و سرورش

هشت سال از شهادت خسرو روزبه میگذرد.



امروز جهان گل بنهد بر سر گورش
در شهر شهیدان بود او خسرو جاوید
تابنده بر اکناف وطن منبع نورش

تاریخ که بر باد رود رنج و سرورش
نازد بسزاوار به گردان غیورش
یک گرد که در معبد تاریخ فنا گشت
همپایه همی دان به هزار و به کروش
جاوید شد آن گرد که جان پهر وطن باخت
برفتر شد آن خلق که خسرو شده پورش

لرزید دل شاه چو از چوبه اعدام
بشنید غریب سخن پر شر و شورش
بیبایه شد آن سفسطه اش پیش کلامش
بیبایه شد آن ظننه اش نزد غرورش
او باده همت ز سر ابر جهانید
دشمن بوجل مانده همه باز و ستورش
او راه فنا رفت بچشمان گشاده
زد خنده بخصم وطن و باطن کورش
دیروز عدو پیکر او خست به پولاد

دوستان! دستها را بسوی هم بپازید! دستها را با بیمان نوین بفشرد! بروید بسوی پویه بزرگ برای امید های بزرگ! بروید بسوی رژیمهای دشوار ولی افتخار آمیز! بگذارید که در ذوق تاریخ معاصر، آیند مروتن نظر بندند. بگذارید تا از پیکار مردانك ما خنده های طاریك بدرخشند. مرغان خونین دلاها را در آسمان نبرد رها کنید! بگذارید تا تندر سروها ببرد. و این سپیده دمی است که آغاز میشود.

جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران

سیاسی مستحکمتر گردید و دوره ای امید بخش نوینی بران مبارزات آینده پیدا شد. برای آنکه خوانندگان گرامی بتوانند منظره عمومی فعالیتهای انجام شده را در برابر خود داشته باشند در زیر خلاصه ای از این فعالیتها درج میگردد.

ایران

تشکیلات تهران حزب توده ایران طی اعلامیه ای رژیم پلیسی حاکم بر مردم میهن ما را افشاء کرده و بمحاکمات و محکومیتهای اخیر بویژه باحکام اعدام در باره رفقا خاوری و حکمت جو و آقای موسوی بجنوردی اعتراض کرده است.

سازمانهای دانشجویان ایرانی

در خارج از کشور

دانشجویان ایرانی در خارج از کشور که در مورد گروه ۱۴ نفری فعالیت شایان تحصیسی از خود نشان دادند این بار نیز در صف مقدم جنبش دفاع از گروه هشت نفری و ۵۵ نفری قرار گرفتند. کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی ضمن اعتراض به محکومیتهای اخیر از سازمانهای وابسته بخود خواست که جنبش اعتراضی جدید را سازمان دهند. بنابراین اعلامیه و دستور کنفدراسیون، فدراسیونهای کشوری در تمام کشورهای اروپا و در ایالات متحده اعلامیه های متعددی بزبان فارسی و بزبان کشور محل اقامت خود انتشار دادند. سازمانهای شهری نیز اعلامیه ها و کارت پستالهایی منتشر ساختند و میتینگها و جلسات همبستگی تشکیل دادند. نمایندگان دانشجویان در همانحال تلگرافهایی بسازمانهای بین المللی و شخصیهایی معروف جهانی مخابره کردند و با مراجعه به مطبوعات رادیو ها، سازمانهای دانشجویی و اجتماعی و شخصیهایی بقیه در صفحه ۶

۱ - روزیونیسم چیست

روزیونیسم از واژه «روزیون» بمعنای تجدید نظر آمده است، لذا روزیونیسم از جهت معنای تحت اللفظی خود یعنی: تجدید نظر طلبی، ولی معنای تحت اللفظی این واژه چیزی را نمیفهماند و باید تعریف علمی خاصی را که از این واژه، از این اصطلاح میشود، بدانیم.

روزیونیسم بمعنای علمی خود یعنی تجدید نظر کردن در برخی احکام و اصول مارکسیسم - لنینیسم بدون آنکه شرایط عینی ضرور برای چنین تجدید نظری وجود داشته باشد.

ذکر عبارت «بدون آنکه شرایط عینی ضرور» وجود داشته باشد، لازم است زیرا اگر این شرایط وجود داشت و ما از ایجاد تغییر و تحول لازم در حکم معین مارکسیستی - لنینیستی سر باز بزنیم و حکم کهنه شده و یا منسوخ را تکرار کنیم، دچار خطای دیگری میشویم که دکماتیسم یا شیوه جزمی نام دارد.

لذا دکماتیسم یا شیوه جزمی، درست برخلاف روزیونیسم یا روش تجدید نظر طلبی و بدعت، یعنی حفظ برخی احکام و اصول مارکسیستی در شرایطی که بطور عینی آن احکام دیگر کهنه شده و صحت و اثر بخشی خود را از دست داده اند. روش صحیح نه روزیونیسم و بدعتگری است و نه دکماتیسم و شیوه جزمی. روش صحیح عبارت است از برخورد نقادانه و خلاقانه به تئوری، یعنی ارزیابی و سنجش تئوری انقلابی در پرتو حوادث، واقعیات، دستاوردها، تجارب مثبت و منفی، درسهای مثبت و منفی و سپس غنی کردن تئوری

انقلابی با احکام نوین، عوض کردن احکام کهنه شده، بسط فرمولبندیها، آوردن مقولات تازه، کنار گذاشتن مقولاتی که دیگر کهنه شده است و غیره و غیره.

روزیونیسم در احکام و اصول مارکسیستی - لنینیستی هم از چپ و هم از راست سورت میگردد، از راست: یعنی در سمت منافع بورژوازی، در سمت انصراف از انقلاب اجتماعی، در سمت کرنش و تسلیم در مقابل سیر خود بخودی و احتراز از اجراء نقش انقلابی تکامل اجتماعی، در سمت اپورتونیسیم. از چپ: یعنی در سمت روحیات انقلابیگری کاذب خرده بورژوازی، در سمت «تازاندن» و تسریع ولوتاریستی و تحمیلی پروسه تکامل اجتماعی، در سمت ماجراجوئی، در سمت مطلق کردن نقش عامل آگاه نهضت و ناچیز گرفتن شرایط عینی.

تاریخ بیش از یکقرنی سوسیالیسم علمی بروز دو نوع بدعتگری را از چپ و راست نشان میدهد. تاریخ مارکسیسم - لنینیسم در ایران نیز همین منظره را عرضه میدارد. اخیراً دفاع خلیل ملکی در دادگاه نظامی از طرفی و انتشار جزوه «مصوبات کتفرانس دوم» انشاییون جدید حزب توسط ایران از طرف دیگر نشان داد که دو انشعاب قدیم و جدید حزب بترتیب در دو مشی انحرافی روزیونیسیم راست و چپ گام برمیدارند. برای تنقیح روش حزب، روشن ساختن محتوی دو نوع روزیونیسیم سودمند است، زیرا این عمل روشن میکند که ما با چه چیز موافقیم. باید خط فاصل بین مشی حزب طبقه کارگر و دو انحراف چپ و راست از این مشی

بسیاری از کشورهای مشابه کمتر است. بنا بر این اولین قدم اساسی در راه تجهیز پس انداز ملی اینست که دولت مالیات بیشتر وصول و بمصرف سرمایه گذاری برساند» (مجله بانک مرکزی شماره ۱۹). ولی آقای محمد خسرو شاهی، رئیس اطاق بازرگانی عقیده خود را که در واقع عقیده تمام صاحبان سرمایه بود چنین بیان میداشت: «... سنگینی مالیاتها نباید سبب عدم رغبت مردم به سرمایه گذاری شود. اگر مراد از دریافت مالیات تحصیل درآمد و سرمایه گذاری دولت باشد، چرا این امر بمعده خود مردم محول نشود و از آنها گرفته شده بصورت دیگری مصرف گردد» (مجله بانک مرکزی شماره ۳۵).

زمانیکه منصور، نخست وزیر وقت اعلام داشت که «قانون مالیات بردرآمد مادر آینه با توجه سیاست اقتصادی دولت یعنی تشویق و ترغیب و حمایت سرمایه گذاری خصوصی و تشویق کسانی که سرمایه خود را بکار اندازند و از منافع آن مجدداً سرمایه گذاری کنند» تنظیم خواهد شد، معلوم بود که کدامیک از محافل اقتصادی توانسته است نظر خود را به کرسی بنشاند. سخنان آقای دکتر آموزگار وزیر دارائی هنگام تقدیم لایحه بخوبی نشان داد که تأمین درآمد برای دولت از وظایف فرعی قانون جدید میباشد. متن لایحه مالیات بر درآمد نیز بروشنی نشان میدهد که در «مبارزه» آنکه برای تعیین هدفهای قانون مالیات بر درآمد در گرفته بود، هواداران آقای خسروشاهی یعنی نمایندگان سرمایه های بزرگ پیروز شدند. و این امر با در نظر

اختلاف نظر پنهان در قوانین مالیاتی کشور

چندین سال متوالی مورد بحث و بررسی مقامات دولتی و محافل اقتصادی کشور بود. بغرنجی و پیچیده بودن قوانین مالیاتی و یکدست نبودن اصول و مقررات آن، اشکالات عدیده در طرز تعیین میزان مالیاتها و نحوه وصول آنها، سوء استفاده مودیان و مأمورین دولتی و «سوء تفاهات» موجود میان آنها - مسائلی هستند که در باره آنها میان تمام محافل ذینفع توافق اصولی وجود داشت. ولی آنچه که اساس اختلافات موجود میان گروههای مختلف هشت حاکمه را تشکیل میداد، مسئله سیاست عمومی دولت در باره مالیاتهای مستقیم و در زمینه این سیاست میزان مالیاتها و نحوه نرخ بندیهای مزبوطه بود. برخی طرفدار افزایش مالیاتها و از این طریق افزایش درآمد دولت بودند و برخی برعکس هوادار کاهش مالیاتها و گنجهت های مالیاتی بنفع صاحبان سرمایه. این اختلاف نظر بصورت آشکار و پرده در بروز نمیکرد و هر یک از طرفین سعی مینمود با اعمال نفوذ نظر خود را بکرسی بنشاند. ولی در عین حال نظریات «متضاد» بدون آنکه وارد بحث آشکار گردد، در مطبوعات منعکس میشد.

آقای دکتر غلامرضا مقدم، قائم مقام سابق رئیس کل بانک مرکزی با تکیه بقبیده متخصصین سازمان برنامه چنین اظهار نظر میکرد: «طبق مطالعاتی که توسط کارشناسان اقتصادی سازمان برنامه بعمل آمده نسبت مالیات وصول شده در ایران به درآمد ملی از

زنده باد بارویزیونیسیم چپ

را میآریند و معتقدند که سرمایه داری کلاسیک در کار تبدیل شدن سرمایه داری جدید (توکاپیتالیسم) است که یک سرمایه داری خلقی، يك «جامعه رفاه عمومی» يك جامعه «صنعتی» است. در این جامعه استثمار و مبارزه طبقاتی در کار زوال یافتن، خاموش شدن است.

بر این اساس سوسیال رفورمیستها کمونیسیم و کشورهای سوسیالیستی و نیروهای انقلابی را میگویند و مبارزه آنها علیه کمونیسیم بر مراتب از مبارزه آنها علیه سرمایه داری خاد تر و وسیعتر است.

بر این اساس سوسیال رفورمیستها با امپریالیسم همکاری میکنند و در موارد متعددی نقش کاملاً ارتجاعی و ضد خلقی و ضد بشری ایفاء میکنند و همدست امپریالیسم و استعمارند و در مصلحت علیه خلقها قرار میگیرند.

خلیل ملکی، چنانکه مدافعتش در دادگاه نظامی نشان داده است کاملاً در موضع سوسیال رفورمیسم از بدترین انواع قرار گرفته است زیرا سوسیال رفورمیسم خود را در خدمت استبداد سلطنتی خاندان پهلوی قرار میدهد.

۳ - دعاوی روزیونیسیم چپ
روزیونیسیم چپ بصورت انواع نظریات

ترسیم گردد تا مبارزان حزب ما بدانند چه چیز را میپذیرند و چه چیز را رد میکنند.

۲ - دعاوی روزیونیسیم راست

روزیونیسیم راست که بشکل سوسیال رفورمیسم بروز میکند، حتی در مواردی که مارکسیسم را کلاً و لفظاً قبول دارد، در مهمترین و حیاتی ترین احکام آن تجدید نظر میکند. دعاوی روزیونیسیم راست چنین است:

برای تحول اجتماع و رفتن بسوی سوسیالیسم انقلاب اجتماعی، انتقال قدرت حاکمه بدست پرولتاریا، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا ضرور نیست. میتوان با اجراء يك سلسله اقدامات رفورمیستی در چارچوب نظام موجود تدریجاً جامعه را بسوی سوسیالیسم راند.

حتی در صورت مجاز نبودن مبارزات قانونی و علنی سوسیالیستی در جامعه سرمایه داری باید از حزب مخفی انصراف جست. تنها مبارزه علنی و قانونی مجاز است. تنها از طریق تحولات پارلمانی میتوان و باید به نتیجه رسید. باید کلیه شرایط لازم را برای شرکت در دولتها ایجاد کرد و از طریق قانونگرایی هدف رسید.

بر این اساس سوسیال رفورمیستها (یوزوه جناح راست اجزاب سوسیال دموکرات) سرمایه داری

گرفتن استراتژی رژیم کنونی که هدفش تسریع رشد سرمایه داری در کشور است، شگفت و غریب نخواهد بود.

لایحه جدید های مختلف در باره به نفع کیست؟ سیاست مالیاتی دولت

اختلاف نظر وجود داشت، ولی قبول گذشتگاهی به نفع بخش خصوصی مورد توافق تمام آنها بود. چنانکه آقای دکتر مقدم با وجود طرفداری از اصل «مالیات بیشتر» بخاطر افزایش سرمایه گذاری دولتی، معتقد بود که «اقدام مهمی که میتواند تأثیر زیادی در افزایش پس انداز در بخش خصوصی داشته باشد اینست که قانون مالیات بر درآمد بنحوی اصلاح شود که آن قسمت از سودخالص کارخانه ها و سایر مؤسسات تولیدی که بمصرف سرمایه گذاری برای توسعه و تکمیل ظرفیت و یا بهبود تولید میرسد از پرداخت مالیات معاف باشد». آقای خسرو شاهی نیز که نماینده اهل سودا و سرمایه است با وجود آنکه خواستار کاهش میزان مالیاتها بود، گذشتهای باز هم بیشتری به نفع سرمایه خصوصی طلب میکرد و میگفت: «... در بخشهایی که لازمه اش تشویق زیادتر است بخشودگی کامل در نظر بگیرند و... برای سودهایی که دوباره بمصرف سرمایه گذاری میرسد معافیهائی قائل شوند تا بتوان سرمایه ها را به بخشهای لازم اقتصادی جلب نمود». لایحه جدید نیز عملاً طوری تنظیم شده است که در نتیجه آن مبالغ هنگفتی که طبق قانون جاری میباشد بصندوق دولت وارد شود در کیسه سرمایه داران باقی خواهد ماند. باین ترتیب

لایحه مالیات گام دیگری است

که در لایحه جدید نه تنها نرخهای مالیاتی به نفع سرمایه داران کاهش یافته است بلکه امتیازات زیادی نیز برای گروههای مختلف در نظر گرفته شده است.

طبق قانون جدید نرخهای مالیاتی، جز در دو مورد، تماماً کاهش یافته است. کاهش نرخهای مالیاتی میتواند چنین توهمی ایجاد نماید که گویا تمام اهالی يك اندازه از این کاهش نفع خواهند برد. ولی عملاً چنین نیست. برای اثبات این امر میزان مالیاتی را که گروههای مختلف طبق قانون جاری میدارند با میزان مالیاتی که طبق قانون جدید باید بپردازند در جدول زیر مقایسه میکنیم (ارقام بهزار ریال).

میزان درآمد	میزان مالیات طبق:	
	قانون جاری	لایحه جدید
۱۰۰	۶٫۲	۳٫۳
۳۰۰	۳۹٫۲	۸٫۲
۶۰۰	۱۰۸٫۲	۹٫۶
۱۰۰۰	۲۱۶٫۲	۲۱٫۰
۳۰۰۰	۹۸۰٫۰	۳۲٫۰
۶۰۰۰	۲۴۰۰٫۰	۳۸٫۰
۱۰۰۰۰	۴۴۰۰٫۰	۳۹٫۳

جدول فوق که ما آنرا بر اساس نرخ های قدیم و جدید تنظیم کرده ایم، بخوبی

لنینیسم!

و راست مبارزه کنیم!

سوسیال بلانکیستی بروز میکند. اگر سوسیال رفرورمیسم با مطلق کردن عنصر خود بخودی و شرایط عینی راه نرزم کردن پروسه انقلابی را میبیماید، سوسیال بلانکیسم با مطلق کردن عنصر آگاه و شرایط ذهنی راه «تازاندن» ارادی و ولوتاریستی پروسه انقلابی را طی میکند. مطلق کردن عنصر خود بخودی و شرایط عینی، ندیدن نقش عنصر آگاه (نقش پيشاهنگان نهضت انقلابی، حزب طبقه کارگر، جبهه نیروهای ملی و دموکراتیک) منجر به اپورتونیسم و تسلیم طلبی میگردد. مطلق کردن عنصر آگاه و شرایط ذهنی و ندیدن نقش عنصر خود بخودی (رشد قوای مولده، تناسب عینی قوا در جامعه، وضع طبقات، مساعد بودن شرایط عینی داخلی و خارجی برای انقلاب)، منجر به حادثه‌گرایی میگردد. یکی از آنها ناشی از تأثیر ایده تئولوژی بورژوائی است و دیگری حاکی از انقلابیگری خرده بورژوائی.

در تبلیغاتی که رهبران حزب کمونیست چین در سالهای اخیر بدان دست زدند آثار این بدعتگری چپ بیان دیده میشود. شمار مرکزی آنها «تازاندن» انقلاب در جهان و در درون کشورها، از راه توسل باعمال قهر انقلابی بصورت پارتیزانی است، صرفنظر از اینکه شرایط برای این تحول بمعنای

علمی کدامه نضج یافته باشد یا نه. بدین ترتیب تجدید نظر بویژه در تاکتیک لنینی انقلاب اجتماعی روی میدهد، تاکتیک لنینی انقلاب را میتوان چنین خلاصه کرد:

۱ — ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر مبتنی بر وحدت اندیشه و عمل و انضباط یکسان در صدر و ذیل از عناصر پیشاهنگ طبقه کارگر و دیگر کسانی که اپدولوژی او را میپذیرند بمثابة ستاد انقلاب.

۲ — افشاگری وسیع برای بیدار ساختن توده‌ها و سوق آنها بطرف مبارزه ورزهای انقلابی.

۳ — در آمیختن کار مخفی و علنی، مبارزه توریك، سیاسی، اقتصادی برای بسط هر چه بیشتر پیوند ستاد انقلاب با توده‌های وسیع شهر و ده.

۴ — استفاده از شرایط عینی انقلابی (وضع انقلابی) که حتماً در خواهد رسید برای یورش به دژ دشمن طبقاتی و سرنگون ساختن قهروری وی، در صورتیکه دست بمقاومت قهر آمیز بزنند از طریق قیام مسلحانه و دیگر اشکال اقدام قهرآمیز. وضع انقلابی را لنین چنین توضیح میدهد: هنگامی که هیئت حاکمه یا بالائینها دچار بحران سیاسی شده‌اند و دیگر نمیتوانند بشیوه سابق

حکومت کنند و هنگامیکه مردم یا پائینها دچار فقر و محرومیتند و دیگر نمیخواهند بشیوه سابق حکومت شوند و حاضرند برای تحول وضع دست به جانبازی زنند. لنین تصریح میکند که نخواستن پائینها کافی نیست، نتوانستن بالائینها هم ضرور است.

این تاکتیک انقلابی لنین تاکتیکی است خردمندانه، واقع بینانه، علمی و تنها تاکتیک صحیح در مقابل این روش اخیراً تاکتیک انقلابی بدعت آمیز دیگری آورده شده است و آن اینکه: اولاً — راه انقلاب تنها راه قهرآمیز است زیرا تاریخ شکل دیگر آنرا نشان نداده است. ثانیاً — این راه فقط بصورت جنگ مدید مسلحانه انقلابی (پارتیزانی) باید درآید و طی این جنگ باید واحد های پراکنده پارتیزانی بارش انقلابی بدل شوند.

ثالثاً — برای توسل باین جنگ وجود وضع وخیم در جامعه کافی است و نباید منتظر تجمع همه شرایط موسوم به شرایط وضع انقلابی نشست. رابعاً — حزب طبقه کارگر هم برای شروع کار چندان ضرور نیست و میتوان واحد های حزبی را در داخل هسته های مسلح ترتیب داد. میگویند تنها شکل سازمان، ارتش انقلابیست، تنها شکل مبارزه، جنگ انقلابی.

در اینکه این تاکتیک انقلاب با تاکتیک لنینی متفاوت است جای انکار نیست. مگر آنکه مدعیان بگویند که تاکتیک لنینی انقلاب دیگر کهنه شده است و نوبت نوبت این تاکتیک است. مدعیان تاکنون جسارت علمی آنرا نیافته‌اند که چنین ادعائی کنند و شاید هم بگویند تا این تاکتیک غیرلنینی

و غیر مارکسیستی را با احتجاجات سفسطه آمیز همان تاکتیک مارکسیستی - لنینیستی جلوه دهند ولی حتی این ادعا نیز انجام نگرفته است و ما چون انجام نگرفته است، آنرا مفروض نمیکنیم. اگر ادعا شود که تاکتیک لنینی انقلاب کهنه شده و الگوی مشروح در فوق است که باید پذیرفته گردد، برای اینکار استدلال علمی لازم است. الگوی لنینی انقلاب بر پایه های خسارترین تئوری مارکسیستی «تناسب خود بخودی و آگاهانه» تکیه دارد و نمیتوان تصور کرد که چگونه میتوان آنرا علماً رد کرد. البته برای گفتن سخنان غیر علمی میدان باز است. گروهی که خود را «سازمان انقلابی حزب توده ایران» نامیده است بویژه بالگوی ماجراجویانه انقلاب گرائیده است و بدینسان در جهت ریزوینسم چپ قرار گرفته است.

۴ — نتیجه

مقاله های ما در شماره پیشین ماهنامه مردم نشان داده است که اختلاف ما با دو اشعاب اختلاف شخصی نیست، اصولی است. چون شخصی نیست، نباید هم در چارچوب خصوصیات و شخصیات وارد شود. این يك اختلاف اصولی بین لنینیسم و تجدید نظر طلبان چپ و راست در باره لنینیسم است. باید پرچم پراختار آموزش کبیر انقلابی را هم علیه اپورتونیستها هم آواتوریستها بلند کرد. این عملی است لازم ولی از آن لازمتر آنست که در زیر این پرچم با صداقت و لیاقت در جهت انقلاب ایران عمل شود زیرا علم بدون عمل دارای قدرت تأثیر و اقتناع نیست.

تبر در آمد زیران زحمتگشان

نشان میدهد که هر قدر میزان درآمد بیشتر باشد میزان مالیات نیز کاهش مییابد. مثلاً از میزان مالیات کسی که درآمد سالیانه اش ۱۰۰ هزار ریال است فقط ۳۳ در صد کاسته شده و حال آنکه میزان مالیات کسیکه ۱۰ میلیون ریال درآمد دارد بیش از ۳۹ درصد کاهش یافته است. بنا بر این قانون جدید کاملاً به نفع صاحبان درآمد های کلان تدوین شده است.

علاوه بر این گذشت بزرگ نسبت به مجموع سرمایه داران، معافتهای زیادی نیز برای گروههای مختلف صاحبان سرمایه در نظر گرفته شده است. مثلاً طبق مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ قانون جدید، درآمد کارخانه‌هاییکه بتازگی تأسیس میشوند و نیز درآمد حاصل از توسعه یا تکمیل کارخانه‌های قدیمی «برای مدت ۱۰ سال از تاریخ بهره برداری مشمول معافیت مالیاتی خواهد بود». ماده ۱۰۷ برای انواع فعالیت‌های صنعتی بر اساس برنامه های اقتصادی کشور از ۵ تا ۱۰۰ درصد معافیت مالیاتی قائل شده است. برای فعالتهای بزرگ کشاورزی طی مواد ۱۱۵ تا ۱۱۹ و نیز برای فعالتهای در رشته خانه سازی و برای شرکتهای کشتی رانی و غیره معافتهای مختلف

پیش بینی شده است. برای شرکتهای سهامی نیز انواع تسهیلات مالیاتی در نظر گرفته شده است. چنانکه طبق شرایط معینی ۲۰ درصد از درآمد مشمول مالیات بعضی از شرکتهای از مالیات معاف خواهد بود و یا اینکه برای شرکتهای سهامی مالیات جداگانه تعیین نشده و مالیات بر حسب درآمد سهمی هر يك از سهامداران تعیین خواهد شد. از این طریق راه جدیدی برای ایجاد شرکتهای سهامی قلابی بمنظور فرار از مالیات تصاعدی بر درآمد کسل شرکتهای بوجود خواهد آمد. بطور کلی در موارد بسیار معافتهای زیادی برای مدت‌های مختلف (چه از تاریخ اجرای قانون و چه از تاریخ بهره برداری مؤسسات) برای سرمایه های بزرگ در نظر گرفته شده است. هدف نهائی قانون جدید آنست که سرمایه های خصوصی بزرگ حتی الامکان از شرکت در هزینه های دولتی معاف شود و امکانات بیشتری برای رشد سرمایه داری در کشور بوجود آید. بیجهت نیست که اطلاعات در این باره مینویسد: «فشار مالیاتی در سالهای اخیر موجب شده بود که سرمایه های پراکنده نسبت به تمرکز و ایجاد شرکت های بزرگ و سرمایه گذاری در واحدهای بزرگ اقتصادی رغبتی نشان ندهند. همین جهت لازم بود که از طریق مالیاتی حمایت بیشتری برای سرمایه گذاری در واحدهای بزرگ اقتصادی بعمل آید. در حقیقت مالیات رهبری رشد اقتصادی را در آینده بدست خواهد گرفت» (۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۴).

لایحه جدید و زحمتگشان
چنین گشاده دستی تا ۴۰ درصد مالیاتهای ثروتمندان بزرگ را کاهش میدهد، قانونی که شاه یعنی ثروتمندترین غارتگر و پردرآمدترین یغماگر کشور را مانند قوانین گذشته از مالیات بردرآمد و مالیات برارث معاف میسازد و به «میت» ولادت و لایحه او را نیز از پرداخت هر گونه مالیات معذور میدارد، چه چیزی نصیب زحمتگشان میسازد؟

بزرگترین گذشت در باره گروههای کم درآمد، بالا بردن نصاب درآمد معاف از مالیات میباشد. طبق قانون جدید نصاب مشمول مالیات از ۴۸ هزار ریال به ۶۰ هزار ریال افزایش یافته است. مالیاتی که صاحب درآمد حد نصاب (۶۰ هزار ریال) اکنون میپردازد، ۱۴۴۰ ریال در سال و یا ۴ ریال در روز میباشد. این مبلغ فقط ۲٫۴ درصد درآمد چنین شخصی را تشکیل میدهند. و حال آنکه میزان تخفیف مالیاتی برای کسی که سالانه ۱۰ میلیون ریال درآمد دارد به اندازه ۱۷٫۳ درصد درآمد این شخص یا برابر ۱۷۳۰ هزار ریال است!

علاوه بالا بردن نصاب معافیت مالیاتی از ۴۸ هزار ریال به ۶۰ هزار ریال تمیز چندان در وضع زندگی اکثریت قاطع زحمتگشان بوجود نمیآورد، زیرا این اکثریت بخصوص در روستا درآمدشان کمتر از ۴۸ هزار ریال در سال میباشد. این گروه اهالی اکنون نیز بابت در آمد ناچیز خود مالیات نمیدارند.

طبق ماده ۱۱۴ لایحه، کشاورزانی که در نتیجه اجرای قانون اصلاحات ارضی مالک یا مستأجر زمین شده و یا میشوند از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. این قسمت از قانون نیز بطور کلی چیزی عاید اکثریت دهقانان نمیسازد، زیرا قطعه زمین کوچکی که دهقانان در نتیجه اصلاحات ارضی بدست آورده‌اند، درآمدی کمتر از ۶۰ هزار ریال عاید آنها خواهد نمود. تنها دهقانان بسیار مرفه میتوانند تا حدودی از این قانون بهره‌مند گردند و این امر نیز بیشتر مورد نظر تنظیم کنندگان قانون بوده است. زیرا هیئت حاکمه همراه با تلاش خود در تسریع رشد سرمایه داری در روستا، در صدد ایجاد قشر مرفهی از خرده بورژوازی در روستای ایران نیز میباشد. معاف کردن این قشر مرفه از پرداخت مالیات وضع اقتصادی آنها را تحکیم بخشیده و جریان فشربندی طبقاتی را در ده تسریع خواهد نمود.

باین ترتیب لایحه عملاً چیزی نصیب توده های وسیع زحمتگشان نخواهد کرد و قسمت عمده سنگینی بار مالیاتی کسماکان بر دوش آنان خواهد بود.

قانون مالیاتهای مستقیم را باید در رابطه آن با قوانین مربوط مالیاتهای غیر مستقیم یعنی در چارچوب سیستم مالیاتی کشور بررسی نمود، تا بتوان منظره روشن تری از سیاست مالیاتی دولت بدست آورد. مالیاتهای غیر مستقیم در حدود ۷۵ درصد تمام درآمدهای مالیاتی کشور را تشکیل میدهد. و بطوریکه میدانیم بقیه در صفحه ۶

جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران

دموکرات، پشتیبانی بسیاری از آنها را برای اعتراض به نقض حقوق و آزادیهای دموکراتیک در ایران جلب کردند.

اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی در آلمان غربی پیوسته واقعه مهمی بود. از روز ۲۲ تا ۲۹ آوریل به ابتکار کمیته دفاع و سازمان دانشجویان ایرانی در هامبورگ ۴۸ نفر از دانشجویان ایرانی از شهرهای هامبورگ، کفل، برانشویگ، کلن، هانوفر، گوتینگن، کلاستال، مونیخ، کارلروهه، برلین، گریس، هایدلبرگ و دوسلدورف در شش هامبورگ دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذای هشت روزه مورد پشتیبانی پرشور همه دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و محافل وسیع خارجی قرار گرفت. در روز ۲۶ آوریل مارش سکوتی با شرکت ۴۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی، آلمانی و دانشجویان خارجی متیم هامبورگ برگزار شد که در برابر کنسولگری ایران به میزبانی تبدیل گردید. بیش از ۵۰ نفر از دانشجویان ایرانی در نیویورک در روز ۲۹ آوریل، در حالیکه تصاویر حکمت جو و خاوری و موسوی را همراه باشاههای متعدد حمل میکردند، بهتظاهر پرداختند. اعلامیه سازمان دانشجویان ایرانی در نیویورک نیز بین نمایندگان مطبوعات جهان در سازمان ملل متحد پخش شد.

در روز اول ماه مه چند صد نفر از دانشجویان ایرانی در اتریش از شهرهای وین، گراتس، اینسبروک و لایون به حمل پلاکاتها و شعارهای خاص خود در میتینگ عظیم اول ماه مه زحمتکشان وین شرکت کردند.

دانشجویان خارجی

دانشجویان خارجی با ارسال نامه ها، تلگرامها، قطعنامه ها از جانب سازمانهای ملی خود و با صورت شرکت مستقیم در میتینگها و تظاهرات دانشجویان ایرانی در خارج از کشور با میهن پرستان ایرانی ابراز همدردی کردند. از جمله:

کنگره سالبانه اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، نمایندگان دانشجویان ۵۲ کشور جهان در پرتغال (لپستان)، جمعیت دانشجویان پروتستان در هامبورگ، سازمان دانشجویان آلمانی در هامبورگ، سازمان جوانان آزاد آلمان در رستوک، سازمان جوانان آزاد آلمان در درسدن، اتحادیه های دانشجویان پاکستان، تانزانیا، کرد، سوریه و افغانی جنوبی در انگلستان، دانشجویان آلمانی و خارجی در دانشگاه درسدن، دانشجویان آلمانی و دانشجویان ۱۳ کشور خارجی در دانشگاه رستوک، سازمان جوانان چکوسلواکی، دانشجویان خارجی در لایپزیگ، سازمان های دانشجویی در ایتالیا، دانشجویان بلغارستان و نمایندگان دانشجویان ۷۰ کشور خارجی متیم بلغارستان، فدراسیون دانشجویان ترکیه، فدراسیون دانشجویان دانشکده علوم سیاسی ترکیه.

سازمانهای بین المللی

سازمانهای بین المللی معتبری بمعاذکات و محکومینهای اخیر اعتراض کردند. از جمله: فدراسیون سندیکائی کارگران جهان، فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان، اتحادیه بین المللی دانشجویان. این اتحادیه ضمناً ۱۰ هزار کارت پستال در دفاع از زندانیان سیاسی ایران چاپ و پخش کرد. کنفرانس بین المللی دانشجویان، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، این فدراسیون ضمناً ده هزار کارت پستال در دفاع از زندانیان سیاسی چاپ و پخش کرد. سازمان عفو بین المللی. اجلاس سالبانه بخش آلمانی سازمان عفو بین المللی در هامبورگ، که در جریان اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی تشکیل بود، جداگانه بدولت ایران اعتراض کرد و در یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور دکتر واندر شاینر، وکیل مدافعی که در جریان محاکمه گروه ۱۴ نفری بایرودان رفیق بود، رژیم ترور را در ایران افشا کرد. انجمن بین المللی حقوق دانان دموکرات. هیئت رئیسه این انجمن که در ۷ ماه مه در چکوسلواکی تشکیل جلسه داده بود، با تفاق و انجام اقدامات وسیعتری را برای دفاع از زندانیان

مقاومت ضد فاشیستی ایتالیایی نیز بنوبه خود با انتشار اعلامیه ها و ارسال تلگرامها در این جنبش شرکت مؤثر داشته اند.

علاوه بر این گروهی از ایرانیان خارج از کشور مستقلاً بدولت ایران اعتراض کرده اند. از جمله ایرانیان مقیم کویت و قطر. گروهی از دمکرات های ایتالیائی نیز کارت پستالی چاپ و پخش کرده اند که با امضاء دمکراتهای ایتالیائی برای شاه ارسال شده است.

مطبوعات و رادیو تلویزیونهای خارجی

بر اثر فعالیت میهن پرستان ایرانی در خارج از کشور که از راه اجزای و سازمان های سیاسی، سازمانهای دانشجویی و کمیته های دفاع عمل میکنند، جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران بطور اعم و مبارزه برای نجات سه نفر میهن پرست محکوم بعدام بطور اخص، بشکل وسیع در مطبوعات، رادیوها و تلویزیونهای خارجی منعکس گردید. صرف نظر از جراند محلی در کشورهای مختلف، روزنامه های معروفی مانند لوموند (فرانسه)، دی ولت (آلمان غربی)، نویس دورچلند (آلمان دمکراتیک)، اونیتا (ایتالیا)، اومانیتیه (فرانسه)، تان سان اوتست (فلاند)، کنانین تریبون (کانادا) اخبار مربوط بتظاهرات و اعتراضات ایرانیان و محافل خارجی را منعکس کردند و با میهن پرستان ایرانی ابراز همبستگی نمودند. رادیوها و تلویزیونهای خارجی از جمله در آلمان دمکراتیک، آلمان غربی، کشورهای اسکندیناوی و امریکا جریان اعتصاب غذای دانشجویان و اخبار مربوط به جنبش اعتراضی را پخش کردند.

بقیه از صفحه ۵

لایحه مالیات بر درآمد

پرداخت کننده اصلی این قبیل مالیاتها اکثریت زحمتکش اهالی کشور میباشد. قسمت قابل ملاحظه یعنی یک سوم مالیاتهای مستقیم نیز بوسیله توده زحمتکش پرداخت میشود. در واقع میتوان گفت با وجود آنکه اکثریت مطلق اهالی سهم ناچیز از درآمد ملی نصیبشان میشود، قسمت عمده بار هزینه های دولتی را بر دوش دارند. لایحه جدید قانون مالیات بر درآمد نیز نه تنها کمکی به توده های زحمتکش نخواهد کرد، بلکه بار مالیاتی را سنگین تر خواهد نمود.

باین ترتیب هدف عمده لایحه جدید، تقویت بخش خصوصی سرمایه داری در قبال بخش دولتی آن، تحکیم موقعیت سرمایه های بزرگ و ایجاد تسهیلات بیشتر برای تمرکز سرمایه میباشد. لایحه جدید برخلاف ادعای هیئت حاکمه به تعدیل درآمدها کمک نکرده، بلکه فاصله طبقاتی را بیش از پیش عمیق تر خواهد ساخت.

لایحه قانون مالیات بر درآمد نشان داد که هیئت حاکمه ایران حتی نظریات گروه تکنوکراتهای امریکا دیده خود را که بسائقه واقع بینی بسیار محدود، یک از چارچوب منافع سرمایه داری خارج نمیشود، امتیازات نسبی و محدود برای بخش دولتی خواستار بودند، نادیده میگردد و درست تسلیم منافع صاحبان سرمایه میشود. و این امر برای کسانی که هنوز هم دیده بهرام شاه و منویات ملوکانه دوخته و چشم از واقعیات بدور ساخته اند میتواند تجربه ای ارزنده باشد.

ما در اینجا یک بررسی کلی از لایحه جدید اکتفا میکنیم. بدیهیست که بررسی همه جانبه و تفصیلی این لایحه محتاج امکان و فرصت بیشتری است.

مسعود

توده ایها

بنایم قهرمان توده ای را کاندین ظلمت دل خوین او چون شب چراغی نور می باشد ا سراپا ریش گردد بیکرش از خار و خس، لیکن دزون بیشه پر بیم از رفتن نسی ماند، نمی ترسد، در این راه طلب یکدم نمی شنید. سراپا عاشق خورشید آزادی است، بی پروا بسوی آن افق پویا، جهان دیگری جویاست. سرودی نغمه خواند، «فروغ زندگي فرداست» چو گرم کور اندر گند ولای بندگی ماندن، خرد و اما نده عمری عبث را هر سوئی راندن، بزنجیر ستمکاران نامردم خمش بودن، برای شادی و آزادی مردم نرزمیدن، سزای برادر مردان نیست، آنکس درخور هستی است که میسوزد ز عشق خلق، می پوید براه او چو سر بازی مجاهد گمزن اندر سیاه او. همانا حکمت هستی انسان، بذل جان، براه بغت و آزادی انسانهاست، از اینرو بین گردان عالم در ره رزم و طلب رفتند. هم از اینرو بود گر خاوری خورشید خاور را برغم خیل خفاشان طلب بنمود در ظلمت بلند آوازه شد پرویز حکمت جو بدین حکمت

ز نوحناک میخواید بکام خویش قربانی ز نو در معبد فرعون کین آموز، دژخیمان تبار و فدیه را در زیر تیغ جور بنشاند. بزیر دشنه جلا دای یاران زندانی! خروش جمله عالم را بگوش هوش بنویشد ا شما نیز ای هواداران راه و رسم انسانی بصد این ستم با نغمه پیکار بخروشید ا

اعتصاب گرسنگی

(مفاسیت اعتصاب گرسنگی دانشجویان ایرانی در اروپا برای نجات جان رفقا خاوری و حکمت جو)

جسمهایی قوه، زانو ناتوان، در کنج لب نیست حتی سایه ای پیدا ز رنگ خنده ای چشما بی نور، لبها خشک، قلب ملتهب، زاتش خشم مقدس - کوره سوزنده ای.

گرسته شیران بی باکند و کفتار عنود تن بلرزاند چو از ایشان یکی غران شود و سرودی گرم بر خوانند، آن سوزان سرود بال بگشاید چو مرغی بر جهان پرن شود.

یاد یارانی که در زندان دژخیمان پست بیگانه، بر آستان نستی استاده اند این دلبران را چنان از خویش بیخود کرده است که برای یاری یاران بجان آماده اند.

با چنین همبستگی در رزم با اهریمنان داستانهای حماسی بار دیگر تازه شد در مصاف سخت با عنوان ضحاک زمان نام دانشجوی ایرانی بلند آوازه شد.

اندر آن ساعت که هر میگسزد بوم عدم لحظه غفلت نبود و ساعت راحت نبود در خور ما دشمنان سخت یاران ستم در قبال دشمن واحد بجز وحدت نبود.

بقیه از صفحه ۱

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وظیفه مبرم

همه نیروهای ملی است

پاسخ داده میشود. بنابراین مبارزه برای آزادی های دموکراتیک مبرم ترین وظیفه همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران است. ولی روشن است که حتی در جرون هر شعار مبرمی هم میتوان بر حسب اوضاع و احوال مشخص شعار مبرمتری را یافت و برجسته کرد.

اهمیت این مسئله در آنست که اولاً این شعار برای وسیع ترین توده های مردم قابل فهم تر است. ثانیاً جنبه همگانی بخود میگیرد یعنی درو راه اختلافات اجتماعی بین نیرو های ملی و مخالف رژیم قرار دارد. ثالثاً اجرای آن آسانتر است. پس از یک دوران تجربه اکنون در میان شعار مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک، شعار مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برجستگی خاص پیدا کرده، مورد قبول عموم واقع شده و به شعار تمل همه نیرو های مخالف رژیم مبدل گردیده است. چرا بخصوص این شعار؟ زیرا رژیم توده های، صدفی، مذهبی، کمونیست و سوسیالیست و همه کسانی را که بشکلی و بدرجهای مختلف باوی برمیخیزد تحت تعقیب قرار میدهد. بنابراین اگر رژیم تنها ملاک تعقیب را مخالفت باخود قرار داده و مردم را صرف داشتن عقیده ای مخالف با سیاست رژیم بزندمان بلندازد و با زیر پا گذاشتن همه قوانین بحسب و اعدام محکوم میکند، چرا زندانیان رژیم علیه رژیم اختلافاتی که در مسائل سیاسی و مسلکی با یکدیگر دارند نمیتوانند و نباید متحداً برای دفاع از خود مبارزه کنند؟ مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مسائلی از قبیل تحت تعقیب قرار دادن مردم بجرم داشتن عقیده مخالف، شکنجه، دستگاه ترور و جاسوسی سازمانی، دادگاههای غیرقانونی نظامی و نظامی آنرا مطرح میسازد. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی میتواند مسئله غم عمومی، از این برون دستگاه شکنجه، انحلال سازمان امنیت، استقرار دادگاههای قانونی برای رسیدگی بجرایم سیاسی را مطرح سازد. و از آنجا که رژیم بویژه در این مسائل دارای نقاط ضعف فراوانی است، یعنی هیچ مرجع بیطرف داخلی و خارجی نمیتواند بربرقانونی های رژیم در زمینه محو آزادیهای دموکراتیک صحه بگذارد، امکان جاب حمایت محافل بین المللی و تحت فشار قرار دادن رژیم بیشتر است.

بهمین جهت شعار مشخص مبارزه برای آزادی زندانیان دموکراتیک که صحت خود را در جریان مبارزه نشان داده، باید عمومی، بتدریج که مبارزه بسط مییابد، نیروهای جدیدی را دربرمیگیرد، اتحاد نیروها محکمتر میشود و امکانات نوینی بدست میآید، میتوان با تحلیل مجدد و مشخص اوضاع این شعار را هم بسط داد.

تأسیح اتحاد
جنبش ملی و ضد استعماری میهن ما خوشبختانه به آن حد از رشد رسیده است که در لزوم اتحاد نیرو های ضد رژیم تردیدی نداشته باشد. ولی با کمال تأسف در عمل ما هنوز از این مرحله بدوریم. هنوز کسانی هستند که برای اتحاد نیرو های ملی شروط و استثنائاتی قائلند. اینکه رژیم از این تفرقه نیرو های ملی سود میبرد روز بروز بیشتر آشکار میشود. و اینکه اتحاد حتی در مقیاس کوچک - یعنی در مبارزه برای دفاع از زندانیان سیاسی - بلافاصله نتایج مثبت خود را آشکار کرد، اکنون برهنگان روشن است. همه دیدند که وقتی توده ای از زندانی هوادار جبهه ملی دفاع کند و هوادار جبهه ملی از زندانی توده های و این هر دو همراه با همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران بدفاع از حقوق و آزادیهای مردم ایران برخیزند، چگونه جنبش اوج میگیرد، چه فعالیت دانه داری آغاز میشود، چه شور و شوقی همه را فرا میگیرد و سرانجام چه نتایج بدست میآید. بهمین جهت آنچه اکنون مهم است، تأیید اتحاد در حرف نیست، بلکه تحقق آن در عمل است. حفظ همکاری بوجود آمده، بسط و تمهین آن است. زیرا اگر رژیم همچنان میهن پرستان را با گستاخی در بند میگذرد و پستل میسراند، اگر همچنان در پایمال کردن بدیبهی ترین آزادیها و حقوق مردم بی پرواست، صرف نظر از ترور

حزب ما که به لزوم مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک، ضرورت اتحاد نیرو های ضد رژیم در این مبارزه، به صحت شعار مشخص دفاع از زندانیان سیاسی و تشکیل کمیته های دفاع اعتقاد راسخ دارد و صادقانه و صمیمانه در راه تحقق آنها کوشیده است، از همه رفقای حزبی و از همه هواداران حزب مطالبند که با توجه به این اصول و با در نظر گرفتن شرایط مشخص محل مبارزه خود - برکوشش خویش بازم بفرمایند و با فعالیت و ابتکار خود در پیشاپیش صفوف مبارزان قرار گیرند. روشن است که این مبارزه با وجود نتایج موفقیت آمیز اولیه خود هنوز بادشواریهایی زیادی رویرو است. باید پیشبینی وسیع ترین توده های دانشجویی را بدست آورد. باید بر عوامل تفرقه غلبه کرد. باید مشکلات سازمانی و مادی متعددی را از پیش پا برداشت. باید راههای جدیدی برای جلب افکار عمومی مردم جهان بوضع ایران پیدا کرد. ولی مبارزان حزب ما که در همین جنبش اخیر برای دفاع از گروه ۱۴ نفری ۵۵ نفری و ۸ نفری نشان داده اند، که چگونه با صداقت و فدائاری در راه انجام وظائف انسانی و ملی خود کوشا هستند، بدون تردید بزمکلات غلبه خواهند کرد و بار دیگر برای همه نیروهای میهن پرست نمونه خواهند شد.

در همانحال حزب ما بانوجه نفیوریت و حساسیت امر دفاع از زندانیان سیاسی بادیگر آمادگی کامل خود را برای هرگونه همکاری با سایر نیرو های ملی و ضد رژیم اعلام میدارد.

ما تردیدی نداریم که کلید پیروزی در اتحاد مبارزان است و مطمئناً که این کلید سرانجام بدست خواهد آمد.

م. اوشه

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

فدراسیونها و کنفدراسیون های کارگری مبارزه کرد تا زندگی سندیکائی بتدریج جا و اهمیت و قدرت درخورد خود را در جامعه ما بیابد.

کارگران و زمینکشان ایران! در راه حقوق حقه صنفی و کارگری خود مبارزه کنید، اصلاح و اجراء قوانین کار و سازمان بیمه های اجتماعی و تمهین آن را با شرکت مستقیم نمایندگان منتخب کارگران در کارگاهها و کارخانه های سراسر کشور بخواهید در راه صنعتی شدن کشور و بسط تولید داخلی که داروی اساسی بیکاری مزمن و موجب بالا رفتن نقش کارگران در جامعه است. مبارزه کنید. برای تعیین حداقل دستمزد بانوجه باشخص هزینه زندگی مبارزه کنید، برای شناختن کامل و عملی حق اعتصاب که تنها سلاح طبقه کارگر است طبق موازین بین المللی مبارزه کنید، بانخواستهای فردی و جمعی مبارزه نمائید، برای پائین آوردن ساعات کار تا حدودیکه در قانون کار و قوانین بین المللی ذکر شده است مبارزه کنید. برای اجراء قانون مرخصی سالانه و تعطیلات با استفاده از حقوق مبارزه کنید. زندگی و مبارزه سندیکائی را بسط دهید. نقش شایسته خود را در حیات اجتماعی ایفاء نمائید. جنبش همبستگی را برای دفاع از حقوق هم صنعتان و بیکاران بسط دهید.

جان دارد که کارگران ایران با الهام از سنن انقلابی خود، بانوجه بمسئولیت و رسالت تاریخی خود با توجه بوضع رقت انگیز و گذران روزانه خود، علی رغم همه دشواریها و خطرات، جانانه مبارزه کنند. زیرا تنها راه نجات سازمان و مبارزه پیگیر عاقلانه و جسورانه است.

پیروزباد نبرد مقدس کارگران ایران زنده باد حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

این اعلامیه در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۵ برابر با اول مه ۱۹۶۶ از رادیو نیک ایران پخش شده است.

هموطن! چه کسی دوست نمیداشت که با خواندن یک ورد طلسم هستی می شکست، گنج نهای سینه میگشود. ولی کیشی است، کی پذیرد هوماری؟ بی خشم و اشک، بی رنج و رشک، بی دندان فشرده بر چنگر، باید گوهر شجره را از اعماق رنج گرفت. باید با سری پر از خورشید، با زواری بی امان بسوی نبرد رفت. نبرد! ایست سعادت

هموطنان عزیز! رفقای حزبی! بآدرس زیرین در استکهلم (سوئد) بازادیو نیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مسکنانه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

رادیو نیک ایران همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند. رادیو نیک ایران زبان گویای همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی است. رادیو نیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا بادیگران توصیه کنید.

این نخستین دلیل آنکه کارگران ایران در دام تبلیغات دروغین رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک نمی افتند.

دلیل دوم وضع مشخص زندگی آنهاست. وضع زندگی طبقه کارگر ایران نه چندان بدو تیره است که بتوان آنرا خونسردانه تحمل کرد. کارگران ایران از همه چیز محرومند، مسکن، استراحت، بهداشت، مزد کافی، بیمه، تأمین در قبال بیکاری، تأمین در قبال سوانح کنار و غیره، بسط مبارزات مطالباتی برای تأمین نیازمندیهای کارگران و جلوگیری از خطر بیکاری و مبارزه برای بر سر کار رفتن بیکاران خود بهترین وسیله و شکل و رشد آگاهی اجتماعی کارگران ایران است.

کارگران و زمینکشان ایران! تجارب انکار ناپذیر و اطمینان عیان ثابت کرده است که رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک سرچشمه بحسب ماهیت خود دشمن کارگران است و از آنها میترسد و می خواهد بکمت سازمان امنیت کارگران ایران را مرعوب سازد و با عوام فریبهای توخالی آنها را گمراه نماید.

تنهاراه نجات واقعی کارگر ایرانی برچیده شدن بساط رژیم موجود و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک است. طبقه کارگر ایران که دارای سنن طولانی انقلابی و تجارب فراوان مبارزه است باید در پیروزی ساختن این آرمان اساسی مردم ایران، در راه استقرار نظامی که استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را تأمین کند و در جاده تأمین دموکراسی و ترقی و رفاه عمومی گام بردارد نقش برجسته خود را ایفاء نماید. شرکت در مبارزه سیاسی حق و وظیفه کارگران ایران است. رژیم موجود مرتباً کارگران را از شرکت در سیاست ممنوع میسازد و خود عملاً می کوشد تا آنجا که بتواند از آنها برای مقاصد سیاسی ضد ملی خویش استفاده کند. کارگران باید در سیاست و مبارزه شرکت ورزند ولی نه آن سیاستی که رژیم خواستار آنست. طبقه کارگر ایران باید برای اتحاد کلیه نیرو های ملی و دموکراتیک، برای اتحاد با برادران ستمکش دهقان که مهم ترین متحد وی در مبارزه اجتماعی است، برای اتحاد عمل با کلیه سازمانها و عناصر مخالف رژیم مبارزه کند و عناصر تفرقه افکن و عوام فریب های چپ و راست میدان نهد.

مبارزه سندیکائی در شرایط کدونی امکان فعالیت علنی را ولو در چارچوب مطالبات صنفی برای کارگران فراهم می کند و طبق قانون تشکیل اتحادیه های صنفی مجاز است. باید با استفاده مدبرانه از شرایط کوشید سندیکا های خود را هر جا که چنین سازمانی وجود ندارد احداث کرد. یکی از توصیه های دائمی حزب ما آنست که کارگران در سندیکا های موجود دولتی شرکت جویند و بکوشند تا این سندیکاهای را بجزیه جنبی مبارزات صنفی مبدل نمایند. بناید کوشید تا در داخل این سندیکاهای رسم انتخابات آزاد و واقعی عملی گردد و نمایندگان حقیقی کارگران بررأس سندیکاهای و شورا های کارگری جای گیرند و تمایلات و خواست واقعی کارگران را منعکس سازند.

تجارب سالهای اخیر نشان داده است که بارها کارگران توانستند از طریق سندیکاهای علنی خواست های حقه خود را بمیان بکشند و در راه تحقق آنها مبارزه کنند. وظیفه آگاه ترین افراد کارگر است که اشکال صحیح کار سندیکائی را بیابند و از همه امکانات قانونی و علنی برای بسط مبارزات صنفی و مطالباتی استفاده کنند. باید در راه تجمع سندیکاهای و ایجاد

روزنامه «اومانیته» در شماره ۲۷ مه ۱۹۶۶ خود اطلاع می‌دهد که آقای «ژول شومه» وکیل مدافع و رئیس انجمن حقوقدانان بلژیک که اخیراً از طرف اتحادیه بین المللی حقوقدانان دموکرات به تهران اعزام شده بود اجازه یافته است که بعنوان ناظر در دادگاه تجدید نظر رفقا علی خاوری و پروینر حکمت جو اعضاء حزب توده ایران شرکت نماید.

اندونزی ۶۵ - ۶۶

ای کرانه های بکر که جز از بوسه های دریای گرم خبر نداشتید با این امواج خون آلود چگونه آید؟
سیل پیکر های بی سر
تل سر های دژم!
همراه زوزه وحشی
همراه مویه دلشکاف،
آه ای کرانه های بکر با این امواج خون آلود چگونه آید؟

پرنس ها ، فاناتیك ها در پیشایش مشتابند
آنها شمشیر های تیزودشده های کند دارند

در زیر پالم های لرزان
و جنگل های همیشه سبز
اعضاء سازمانهای دهقانی را سر میرند
سرها را بدرختها می آویزند ، درپیش کلبه ها کبود میکنند ،
تنها را در شط می افکنند .

طعمه برای تمساحان فراوان
طعمه برای کوسه ماهی ها فراوان است .

و در این نیمه دوم قرن بیست
در جزایر زمرد رنگ خون عقیقی میجو شد .

و سایه هولناک امپریالیسم
روی جوخه کشتار کننده گان افتاده

سایه خربولهای وال استریت
که واژه « کمونیسیم » آنها را مرتعش میکند .

صدها هزار انسان :

صدها هزار پیر ، جوان ، سالمند ، کودک ، زن ، مرد
صدها هزار دانشجو ، کارگر ، روستایی ، مسلمان ، بودایی
صدها هزار انسان که فلسفه مارکس میاموختند و به آینده می اندیشیدند
صدها هزار انسان ، مبشر رویاهای رنگین در جزایر هزار گانه ...

و اکنون که گلهای استوائی میشکند
و طوطی های سبز آواز میخوانند
آنها دیگر نیستند .

اگر دشنه جلادان امروز آنها را نمی کشت
روزی مرگ آنها را شکار میکرد

ولی آخر این لکه بزرگ خون را بردامن تاریخ که خواهد شست ؟

آنچه که باید در تاریخ روی دهد روی خواهد داد .
ای ساطور بدست ها بپهوده این شاخه ها را در هم میشکنید .
آن درخت تناور که باید بروید خواهد روئید
و با این مشک های خون ، آتش فشان خاموش نخواهد شد .
زمان مکار شما را در لجن زار های خود دفن خواهد کرد
و سپس مشعل معجزه خود را خواهد افروخت
شدنی ها خواهد شد
آینده نوردنی است .

درد اشکالود شما تن های بیسرا
و ای تل سر های دژم!

درد اشکالود برخانه انهایی که درو شدند
ستایش بر شما ای سپاه انبوه دوستان حقیقت!
شهادت شما شهادتی شگرف بود
شهادتی جمعی از سوی يك ملت
شهادتی عظیم ، شهادتی مقدس .

بنام ۱۳۸ میلیون کارگران جهان

(تلگراف فدراسیون جهانی سندیکاها به هویدا در باره محکومین باعدم)

آقای رئیس دولت ایران ، تهران!
از جانب سی و دوین اجلاسیه کمیته اجرائیه فدراسیون جهانی سندیکاها که از ۲۶ تا ۲۸ مه در شهر لیکسویا (قبرس) تشکیل بود ننگرانی عمیق جنبش جهانی سندیکائی را بعلت موج تضحیقات در ایران و پرویزه محکومیت به اعدام علی خاوری و پرویز حکمت جو ابراز میداریم .
بنام ۱۳۸ میلیون کارگرانی که در صفوف فدراسیون متحد شده اند نجات فوری جان این دو مبین پرست ایرانی و آزادی آنها و غفو محکومین و زندانیان سیاسی و الغاء محکومیت رهبران کارگری ایران و تضمین بازگشت آزادانه ایرانیانی را که بمهاجرت سیاسی مجبور شده اند بکشور خود میطلبیم .

ر بیتوسی
رئیس فدراسیون جهانی سندیکاها

ل. سایات
دبیر فدراسیون جهانی سندیکاها

یادی از چند سالگرد

شد و در جمهوری توده ای بلغارستان اقامت نمود .
«افراشته» در مهاجرت هم از مبارزه قلمی علیه رژیم باز نایستاد و بمنظور شناسائی ایران، وصف زندگی زحمتکشان ، مبارزه جاننازانه کارگران و دهقانان ، آثاری به زبان بلغاری منتشر ساخت .
هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت درگذشت افراشته ضمن اطلاعیه خود چنین نوشت : «افراشته از نخستین سالهای تأسیس حزب توده ایران ، همه نیروی هنری و ادبی خویش را در خدمت خلق گذاشت افراشته که خود از طبقات زحمتکش ایران برخاسته بود با موفقیت شایان آفرین توانست زندگی و مبارزات توده های مردم را در اشعار خود منعکس سازد . ساخته های افراشته ، نمونه برجسته ای از درآمیختن ادبیات با سیاست است . نام افراشته در تاریخ ادبیات انقلابی - صر ایران پیوسته جای نمایانی خواهد داشت.»

شهادت يك معلم

روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ نمایش عظیم فرهنگیان تهران در میدان بهارستان انجام شد . گروههای مختلفی از دانشجویان و دانش آموزان بصوف فرهنگیان پیوستند و علیه دولت شریف امامی که دچار بحران بود تظاهرات کردند . یورش مسلحانه ناموران شاه ، تظاهرات مسالمت آمیز فرهنگیان را بخون کشید ، عده ای زخمی شدند و دکتر خاتمی دبیر دبیرستانهای تهران به قتل رسید . از آن تاریخ ، این روز از طرف نیرو های ملی «روز معلم» نام گرفته است . تظاهرات روز ۱۲ اردیبهشت موجب سقوط دولت شریف امامی و روی کار آمدن دولت دکتر امینی شد .

قابل توجه خوانندگان عزیز

در شماره ۱۳ ماهنامه مردم شماره صندوق پستی ما ، اشتباهاً ۴۱۷۸ ذکر شده ، به ۴۱۷۶ تصحیح فرمائید .

اردیبهشت خونین سالگرد شهادت هشت

رژمنده توده ای

دومین ماه بهار که دوران شادابی و نشاط طبیعت است از طرف اعضاء حزب ما ، «اردیبهشت خونین» نام گرفته است زیرا در سالهای پس از کودتا عده ای از رژیمندگان حزب ما ، در اردیبهشت ماه بدست جلادان شاه شربت شهادت نوشیدند . نخست باید از دو نفر مبارز جوان و پرشور ، آرسن آوانسیان و هوشنگ پور رضوانی نام برد که پس از چند سال تحمل مصائب زندان شاه ، روز ۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ در میدان تیر حشمتیه تیرباران شدند . هر دو پیکارجو ، هر دو مقاوم و هر دو به توده ای بودن خود افتخار داشتند . روز ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ خسرو روزبه قهرمان ملی ایران بدست دژخیمان شاه تیر باران شد که در همین شماره یاد او را گرامی داشته ایم .

سال ۱۳۳۹ یورش ناموران شاه به شبکه های حزب ما در آذربایجان و کردستان آغاز شد و چند صد نفر در این یورش وحشیانه دستگیر شدند محاکمه ۲۰ نفر از فعالین آنها در دادگاه نظامی آغاز شد و حکم اعدام پنج تن از آنان صادر گردید . روز ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ پنج مبارز آذربایجانی : رفقا علی عظیم زاده ، خسرو جهانان آذری ، جنواد فروغی ، حسن زهتاب و ایوب کسلاتری در تبریز بخون خود غلطیدند . خاطره این شهیدان الهام بخش همه مین دوستان در مبارزه علیه رژیم ددمنش شاه است .

سالگرد مرگ «افراشته» شاعر توده ای

روز ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۳۸ ، محمد علی افراشته ، دبیر روزنامه چلنگر ، شاعر پیکارجوی توده ای ، در سن ۵۱ سالگی در بیمارستان صلیب سرخ صوفیه بر اثر سکته قلبی درگذشت . «افراشته» که با انتشار روزنامه چلنگر خدمت بزرگی به نهضت ضد استعماری مردم نموده بود ، طبعاً مورد خشم رژیم شاه قرار گرفت و در نتیجه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجبور بمهاجرت

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

سر انجام در نتیجه فشار نیرومند افکار عمومی ایران و جهان ، شاه حکم جابرانه اعدامی را که از طرف دادگاه غیر صالح نظامی در مورد رفقای ما پرویز حکمت جو و علی خاوری صادر شده بود یک درجه تخفیف داد و بدین ترتیب این احکام به حبس ابد تبدیل شده است .

تردیدی نیست که احکام حبس ابد در مورد افراد میهن پرستی که هیچ گناهی جز دفاع از حق و عدالت ندارند بنوبه خود احکامی است جابرانه ولی بهر جهت شایان توجه است که هیئت حاکمه ایران افکار عمومی جهان و ایران را بحساب آورده است و از ارتکاب یک جنایت فجیع تازه خود داری کرده است .

رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو با حفظ وقاداری خود باصول حزب ما و دفاع از آن درقبال پیدادگاه نظامی ، از آزمونی که با آن روبرو شده بودند ، سربلند بیرون آمدند . ما باین رفقا و یارانشان درود میفرستیم و اطمینان داریم که سرمشق نیکوئی که با رفتار برانزده خود ارائه کرده اند در پرورش روح مبارزه در افراد حزب ما و نهضت رهایی بخش ایران تأثیر فراوان خواهد داشت .

در جریان دادرسی رفقا خاوری و حکمت جو و یارانشان موج بیسابقه و نیرومند اعتراض و همدردی در سراسر جهان برخاست . نظیر این مبارزه نه فقط در مورد دادرسی های سیاسی کشور ما ، بلکه حتی در کشورهای دیگر نظایر معدودی دارد .

ما وظیفه خود میدانیم از کلیه احزاب برادر و مطبوعات این احزاب که در این زمینه با تمام صمیمیت و علاقه بما کمک کردند و مظهری از همبستگی انترناسیونالیستی نشان دادند عمیقاً سپاسگزارى کنیم .

ما وظیفه خود میدانیم از کلیه سازمانهای دموکراتیک جهان و از آنجمله از انجمن بین المللی حقوقدانان دمکرات که با اعزام نماینده خود بدادگاه کمک مؤثری کرده است تشکر کنیم .

ما از کلیه سازمانها و مطبوعات دمکراتیک و ملی در ایران و خارج از ایران بویژه از کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و همه دانشجویان عزیز ایرانی که در اعصابها ، مارشها ، تظاهرات همدردی و همبستگی بسود رفقای محکوم ما شرکت جسته اند و از همه میهن پرستان دیگر ایرانی که در این ابراز همبستگی شرکت کرده اند تشکر میکنیم . ما از همه سازمانها و عناصر مترقی و دموکراتیک سراسر جهان ، از کمیته های دفاع

از زندانیان سیاسی ایران در کشورهای مختلف جهان که در جنبش همبستگی با رفقای ما شرکت جسته اند و سهم خود کمک کرده اند و نامه ها و تلگرافهای اعتراض ارسال داشته اند تشکر میکنیم.

رفقای حزبی در ایران و خارج در جریان مبارزه برای نجات جان و قوا حکمت جو و خاوری بتوبه خود با شور و صمیمیت و ظایف خود را انجام دادند و ابراز اشتکار کردند. تجربه این مبارزه نشان داده است که عمل مشترک و مبارزه مشترک قادر است هیئت حاکمه ایران را به عقب نشینی وادارد. باید از این واقعیت برای مبارزات آتی مشترک درس گرفت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران